

Original Article

The Progression of Historical Improvements of Dowry in Islam

Somayeh Hafezi¹, Hadi Azimi Garekani^{2*}, Seyyed Mohammad Reza Emam³

1. PhD Student, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: garekani1339@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 27 Oct 2020 Accepted: 31 Jan 2021

Abstract:

Background and Aim: Dowry is One of the Pillars of Nuptial in Islam and is one of the Privileges for Women. This Right has Diverse Dimensions That Have Changed Both Qualitatively and Quantitatively Over Time. For This Motive, the Present Study Scrutinizes the Historical Progression of Dowry in Islam. The Interrogation is What is the Brashness of Islamic Jurisprudence to the Changes of Dowry Over Time?

Materials and Methods: The Method of This Research is Evocative-Analytical and a Qualitative Method Has Been Used to Excerpt and Analyze the Ancient Developments of Dowry in Islam.

Findings: The Conclusions of The Present Study Show That Most Jurists, Counting Shiite Jurists, Even Though in Quantitative and Qualitative Alterations in Determining the Dowry for Women, But the Code of the Obligation of Dowry for Women, it is a Talent From a Man, Taking into Account the Conditions The Economics of the Parties and the Observance of Restraint in Influential the Dowry, not to Violate the Ritual of the Holy Prophet of Islam (PBUH) and Also not to Accept it From Anyone Other Than Women.

Conclusion: Based on The Present Study, it Can be Settled That an Important Part of the Concerns and Problems of our Civilization Today in the Matter of Marriage is the Resolve of Illegal and Unsuitable Numbers and Figures that are Resolute in the Dowry. Consequently, Instead of Approaching Justice, it has Strayed From the Criteria Set by the Holy Prophet of Islam (PBUH). What is Proposed is to Move Away From a Money-Oriented View of Dowry and Replace it With a Gifted and Loving View of Dowry, the Main Purpose of Which is Nothing but to Protect Women and Establish Equality Among Human Beings.

Keywords: Dowry; Islam; Historic Progresses; Privileges

Please cite this article as: Hafezi S, Azimi Garekani H, Emam S M R. The Progression of Historical Improvements of Dowry in Islam. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 361-372.

بررسی سیر تحولات تاریخی مهریه در اسلام

سمیه حافظی^۱، هادی عظیمی گرکانی^{۲*}، سید محمدرضا امام^۳

۱. دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: garekani1339@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: مهریه یکی از ارکان ازدواج در اسلام و از جمله حقوقی است که برای زن در نظر گرفته شده است. این حق دارای ابعاد مختلفی است که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی به مرور زمان دچار تغییراتی شده است. به همین دلیل پژوهش حاضر به بررسی سیر تاریخی مهریه در اسلام می‌پردازد. سؤال مطرح شده این است که نگرش فقه اسلامی به تحولات مهریه در گذر زمان چیست؟

مواد و روش‌ها: رویکرد این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و با شیوه کیفی جهت استخراج و تحلیل بررسی تحولات تاریخی مهریه در اسلام اهتمام گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اغلب فقها از جمله فقهای شیعی، هرچند از نظر کمی و کیفی در تعیین مهر برای زنان اختلاف نظر دارند، اما اصل وجوب مهر برای زنان، هدیه بودن آن از طرف مرد، در نظر گرفتن شرایط اقتصادی طرفین و رعایت اعتدال در تعیین مهر، عدم تجاوز از سنت رسول گرامی اسلام (ص) و همچنین عدم دریافت آن از سوی شخصی غیر از زن تأکید دارند.

نتیجه‌گیری: بر مبنای پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که بخش مهمی از دغدغه و مشکلات امروزی جامعه امروزی ما در امر ازدواج، تعیین اعداد و ارقام غیرشرعی و نامناسبی است که در مهریه تعیین می‌شود. بنابراین به جای نزدیک شدن به عدالت، از معیار تعیین شده رسول گرامی اسلام (ص) نیز عدول شده است. آنچه پیشنهاد می‌شود دوری‌گزینی از نگرش مادی‌گرایانه به امر مهریه و جایگزینی آن با نگرش هدیه و محبت‌آمیز مهریه است که هدف اصلی آن چیزی جز حمایت از زنان و برقراری مساوات میان انسان‌ها نیست.

کلید واژگان: مهریه؛ اسلام؛ تحولات تاریخی؛ حقوق

مقدمه

آغاز و تاریخ مشخصی برای مهریه نمی‌توان تعیین کرد. تنها می‌توان گفت مهریه از زمان‌های بسیار دور در میان مردم رایج بوده است. حتی در داستان حضرت موسی (ع) در قرآن کریم (قصص، آیه ۲۷) می‌خوانیم که ایشان مدت هشت یا ده سال برای حضرت یعقوب در قبال نکاح دختر ایشان کار کردند. همچنین می‌توان به قانون هامورابی که در حدود ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تدوین شده است اشاره کنیم. بنابراین مهریه به دوران بعد از اسلام مربوط نمی‌شود، بلکه قبل از ظهور اسلام هم به شرایط دیگر بوده است، البته با ظهور اسلام وضعیت زنان رو به پیشرفت چشمگیری بوده است. در این زمان با توجه به حاکم شدن رویکرد برابر میان زنان و مردان، از رسوم جاهلی پیشین فاصله گرفته شد و مهریه به عنوان یکی از مصادیق حقوق زنان وارد جامعه اسلامی شد. استدلالی که در این زمینه مطرح شده بود، عمل به آیات و دستورات خداوندی و همچنین رعایت حقوق زنان است.

با در نظر گرفتن اهمیت ازدواج و مهریه در اسلام، توجه به سیر تاریخی، دیدگاه‌های مخالف و موافق، اهمیت مهریه در امر نکاح ازجمله موضوعاتی است که می‌تواند قابل توجه باشد. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی سیر تاریخی و تحولات مهریه در اسلام بپردازد. بدیهی است که در این بررسی، آیات و روایات، رویکرد فقها و همچنین دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره کمیت و کیفیت مهریه برجسته می‌شوند و یا مورد نقد و بررسی واقع می‌شوند. پژوهش حاضر نیز با فرا رفتن از این منازعات فقهی و کلامی به دنبال تحولات تاریخی مهریه، جایگاه و اهمیت و همچنین شرایط آن در عصر کنونی است.

سوابق تحقیق

مهریه ازجمله موضوعاتی است که مباحث زیادی پیرامون آن مطرح شده است. هم از حیث حقوقی و قانونی و هم از حیث عرفی و فرهنگی، تحقیقات متعددی به این مسأله پرداخته است. با توجه به اهمیت این موضوع به برخی از مهم‌ترین تحقیقات انجام‌شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

فقه‌های اسلامی از دیرباز به مسأله مهریه توجه نشان داده‌اند. ازجمله کلینی در کتاب کافی، علامه حلی، طبرسی، صاحب جواهر و حتی تعداد زیادی از فقه‌های شیعی معاصر به مسأله مهریه و جایگاه آن در اسلام توجه نشان دادند. در میان فقه‌های معاصر، مرتضی مطهری در آثار متعدد خود ازجمله: نظام حقوق زن در اسلام (۱۳۸۶) به مهریه به عنوان عطیه‌ای برای زن توجه نشان داده است که می‌تواند حقوق آنان را نیز تأمین کند و باعث گسترش مهر و محبت میان زوجین شود. در کتاب جایگاه بانوان در اسلام که توسط حسین نوری همدانی نوشته شده، مسأله مهریه به عنوان یکی از مظاهر حقوق زنان در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. در مقالات دیگری نیز ازجمله: در مقاله «بررسی فقهی مهریه زن و فلسفه آن در نظام حقوقی اسلام» که توسط فاطمه ناهید (۱۳۸۶)، نوشته شده است، به این نتیجه رسیده که شریعت اسلامی برای سامان بخشیدن به حقوق زنان و حمایت از آنان به طرح مهریه روی آورده است. از نظر نویسنده، مهریه علاوه بر جنبه حقوقی، جنبه‌های اخلاقی نیز دارد. عبدالعلی توجهی و آرزو ملشکاه (۱۳۹۲)، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه مهریه سنگین در آموزه‌های دینی، آراء فقها و حقوق موضوعه» به این مسأله اشاره می‌کند که مهریه نشانه صداقت، دوستی و هدیه‌ای برای زنان است و از این جهت سیره رسول گرامی اسلام و ائمه معصوم (ع) نمی‌تواند مهریه سنگین را بپذیرد، زیرا مهریه نمی‌تواند جنبه مالی داشته باشد که در این صورت، انسان‌ها و ازجمله زنان کالایی اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. جمال فرزند وحی (۱۳۹۳)، نیز در مقاله «نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام» به این نتیجه می‌رسد که وضعیت زن در عرصه‌های خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در عصر جاهلی نابسامان، ظالمانه و تاریک بود و یکی از تحولات اساسی اسلام را باید در اصلاح جایگاه و موقعیت انسانی و اجتماعی زنان دانست. از نظر نویسنده، در قرآن کریم هیچ برتری به جنسیت داده نشده است، بلکه خداوند متعال عامل برتری را فقط تقوا ذکر کرده است. مهریه نیز یکی از جلوه‌های آشکار حقوق زنان است.

مهر را اینچنین تعریف می‌کنند: «مهر مقدار مالی است که مرد هنگام ازدواج به زن می‌دهد» (۲). بنابراین از نظر فقه و حقوق اسلامی، مهریه در زمره حقوق زنان است و تصرف دیگری در آن جایز نیست. پس مهریه در لغت به معنای کابین می‌باشد و در اصطلاح یکی از حقوق مالی زن، مهریه است که به موجب عقد ازدواج به وی تعلق می‌گیرد.

۲. ازدواج

ازدواج در لغت به معنای جفت گرفتن، با هم جفت شدن، شوهر کردن است. ازدواج کردن به معنای مزاجت می‌باشد (۳). در اصطلاح ازدواج به معنای پیوند مشترک بین زن و مرد است. درواقع نوعی ارتباط نکاحی می‌باشد که بین دو جنس مخالف همراه با مراسم ازدواج به صورت کاملاً قانونی واقع می‌شود.

مبانی نظری؛ اهمیت مهریه در ادیان مختلف

ازدواج در ادیان، مذاهب، سنن و تواریخ مختلف مورد توجه بوده است. با توجه به مباحث مرتبط با ازدواج، مهریه نیز دارای سابقه‌ای طولانی است. به همین دلیل به برخی از نگرش‌های تاریخی نسبت به مهریه پرداخته می‌شود:

۱. مهریه در دین زرتشت

عده‌ای از زرتشتیان بر این باور هستند که در این آیین مهریه وجود ندارد؛ شاید دلیل آنها این باشد که در متن گاتها فقط یک‌بار بحث ازدواج آمده است و آن هم مربوط به ازدواج بروجیستا دختر زرتشت و جاماسب است، البته بر طبق متن قوانین احوال شخصیه زرتشتیان و ماده ۲۹ از این قوانین، مهریه در این آیین وجود دارد، ولی مشخص کردن مهریه زمانی است که دو طرف بخواهند از یکدیگر طلاق بگیرند و در ابتدا و زمان ازدواج مهریه مشخص نمی‌شود. در هر صورت در آئین زرتشتی، مهریه امری اساسی است که وقتی داماد دختر را از پدر خاستگاری می‌کند، مهر و یا کابین نیز به دختر تعلق می‌گیرد. دختر نیز با پذیرش مقدار کابین تعیین شدن، مالک آن می‌شود، البته در پی اعلام مهریه تعیین نشده که در همان زمان به وی تعلق بگیرد، بلکه مرد این مقدار مهریه را تضمین کرده است (۴). این بدان معناست که در هنگام امری نظیر

تحقیقات فوق هر کدام به اهمیت مهریه در اسلام و جایگاه آن به عنوان یک حق برای زنان توجه نشان داده‌اند، اما آنچه در تحقیقات مذکور به طور مشخص بررسی نشده است، سیر تاریخی مهریه و ارتباط آن با تحولات اجتماعی و اقتصادی است. بنابراین پژوهش حاضر به دلیل خلأ نظری در این زمینه درصدد است تا به بررسی سیر تاریخی مهریه در اسلام بپردازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تاریخ شکل‌گیری هر پدیده و نهادی می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای آینده و یا به حداقل رسانیدن چالش‌ها و مشکلات آن نیز تلقی شود. بر همین اساس، مطالعه تاریخچه و سیر تحولات مهریه به عنوان یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در دین اسلام و جوامع اسلامی می‌تواند تغییرات آن را به ما نشان دهد. با مطالعه تغییرات و تطبیق آنان با شرایط اولیه مهریه که در زمان رسول گرامی اسلام (ص) بنیان‌گذاری شد، متوجه انحرافات ناشی از مهریه‌های سنگین و مبتنی بر دیدگاه مالی در دوره کنونی نیز می‌شویم. بنابراین ازجمله ضرورت‌های پژوهش حاضر، مطالعه تاریخی مهریه و شناسایی نقاط ضعف آن در بستر زمانه است.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، با مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین بررسی آیات و روایات، دیدگاه‌های فقها و کارشناسان دینی حاصل شده است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری بوده است که با استفاده از رویکرد تاریخی - تحلیلی نسبت به بررسی سیر تحولات مهریه اقدام شده است.

اصطلاحات

۱. مهریه

مهر یا صداق که در فارسی به آن «کابین» نیز گفته می‌شود، مالی است که زن بر اثر ازدواج صاحب آن شناخته می‌شود و مرد ملزم است تا آن را بپردازد (۱). اساتید دیگری

۳. مهریه در آیین مسیحیت

مسیحیت دارای قرائت‌های مختلفی است و براساس همین قرائت‌ها، نگرش‌های متفاوتی نسبت به مهریه وجود دارد. با این حال، مسیحیت در دوره جدید و قدیم دارای تفاوت‌هایی است. ازجمله اینکه در عهد جدید، همانند عهد قدیم ثبوت مهریه برای زنان وجود دارد، زیرا آنچه از بررسی آیات عهد عتیق حاصل می‌شود این است که مهریه برای زنان وجود دارد (۷). با وجود اینکه در متون قدیمی از لزوم مهریه سخن گفته شده است، اما در عهد جدید تأکیدی برای مهریه دیده نمی‌شود (۸). در هر صورت، مهریه به عنوان یکی از ارکان ازدواج در ادیان و به ویژه دین مسیحیت مورد توجه قرار گرفته است. برخلاف پروتستان‌ها به عنوان یکی از فرق دین مسیح، کاتولیک‌ها گرایش بیشتری به متون قدیمی و ازجمله توجه به مهریه در آیین مسیحیت دارند.

۴. مهریه در حقوق اسلام

حقوق اسلام اهمیت فراوانی برای نکاح قائل است و احکام خاصی برای آن وضع نموده که یکی از مهم‌ترین آن احکام صداق یا مهریه می‌باشد. از نظر اسلام، مهریه نتیجه تدبیر خلاقانه‌ای می‌باشد که برای پیوند هرچه محکم‌تر و تعدیل روابط بین زوجین به کار رفته است. از منظر اسلام، نه تنها مهریه برای زنان شخصیت بخش است، بلکه می‌توانیم بگوییم که ارزش معنوی مهر از ارزش مادی آن بیشتر است (۹).

اسلام مهریه را به عنوان پشتوانه محکم حقوق اجتماعی زن که حق مسلم او است، تبیین نموده در حالی که در عصر جاهلیت هیچ‌گونه حقوق مالی و ارزش معنوی برای زنان قائل نبودند. قرآن کریم رسوم جاهلیت را درباره مهر منسوخ کرد. می‌توان گفت که فلسفه مهریه از دیدگاه اسلام این است که مهریه ابزاری برای لذت بخشیدن به زندگی و عاملی برای الفت بین زن و شوهر است؛ از طرفی، مهریه برای جبران نقص ارث زن، وسیله‌ای برای تأمین زندگی و آینده او، جلوگیری از طلاق‌های بی‌مورد و اهرمی برای سرکوبی تمایلات نفسانی مرد مقرر گردیده است.

در صورتی که نکاح بدون تعیین مهر واقع گردد، در این صورت، زن مستحق مهرالمثل خواهد بود. ازاین‌رو، مهر و

طلاق، کابین زن به وی تعلق می‌گیرد. همچنان که ممکن است شوهر این مبلغ را از دارایی‌های خود و یا اموالی که در آینده به دست می‌آورد، ضمانت کند (۵).

به لحاظ حقوقی و قانونی نیز در کشور ایران و براساس قانون اساسی، اقلیت‌های دینی ازجمله زرتشتیان در امور شخصی تابع قوانین احوال شخصیه خود می‌باشند (۶). این به معنای آن است که حق و حقوق زرتشتیان در امور مذهبی ازجمله ازدواج و مهریه تابع قوانین همان آئین است. یکی از مواردی که بر طبق قوانین احوال شخصیه زرتشتیان آورده شده، بحث مهریه می‌باشد. بنابراین، برخلاف اینکه در گاتها راجع به مهریه مطلبی بیان نشده، این بحث در بین جامعه زرتشتیان وجود دارد و بحث مهریه از موارد قوانین احوال شخصیه زرتشتیان است که جامعه زرتشتیان برای پیروان این آیین بر طبق قوانین حاکم در ایران مشخص کرده است. اینکه عده‌ای از روی ندانستن و جهالت بیان می‌دارند مهریه در آیین زرتشت وجود ندارد، مطابق با واقعیت نیست.

۲. مهریه در آیین یهود

در آیین یهود مردان می‌توانند خواستگاری هر زنی که شرایط ازدواج را داشته باشد بروند و پس از نامزدی ازدواج کنند. آنها ابتدا شطاری (آنچه که در مسائل نامزدی به صورت قرارداد توافق می‌کنند را گویند) می‌نویسند. چنانچه نامزدی به هم بخورد در مورد هدایایی که رد و بدل شده است طبق قراردادی که زوجین تنظیم کرده‌اند برخورد خواهد شد. پس از آنکه تمام شرایط صحت عقد نکاح را بررسی کردند و از احراز صحت آن مطمئن شدند عقد واقع می‌شود و نکاح صورت می‌گیرد. در تورات هم درباره مهریه مطالبی آمده است. در بین یهودیان هنگام نکاح مهریه قید می‌شود که به آن کتوبایی می‌گویند. هنگامی که در نامزدی میزان مهریه معین نشده باشد، بعد از عقد میزان آن مشخص می‌شود، مقدار آن از آنچه در فقه یهود مشخص شده کمتر نیست. در فرهنگ دینی یهود، مهریه مانند یک وثیقه و وسیله‌ای برای تضمین زندگی زن است؛ یعنی وسیله‌ای مطمئن برای ایمنی زن در برابر طلاق عجولانه (۷). مهریه هم‌اکنون نیز در آیین یهود و مردمی که تابع این آیین هستند، دنبال می‌شود.

تعیین آن نمی‌تواند ملاک صحت عقد قرار گیرد. نایستی نگرش‌ها به ازدواج صرفاً از زاویه مال باشند. بنابراین، ضمن اینکه مهریه حتماً باید مورد توجه و رضایت زوجین قرار گیرد، جنبه‌های دینی، تربیتی و آرمانی ازدواج نیز باید مورد توجه قرار گیرند (۱۰). ضمن اینکه در اسلام برای مهر محدودیتی قائل نشده‌اند و مقدار معینی هم بیان نشده است، بلکه هر آنچه که ارزش مالی داشته باشد می‌تواند به عنوان مهریه قرار گیرد؛ مانند طلا، نقره، پول‌های رایج، لوازم زندگی، یا حتی آموزش قرآن یا آموزش علم یا مهارتی ویژه می‌تواند به عنوان مهریه در نظر گرفته شود. باید توجه داشت که برای آموزش نیز می‌توان ارزش مالی تعیین کرد. در صدر اسلام نیز مهریه از قسمتی از اموال موجود مرد پرداخت می‌شد.

در اسلام بیان شده که مهریه محصول توافق است و می‌توان مهریه را کم یا زیاد گفت. یعنی می‌توان براساس ویژگی‌های زوجین مهریه عقلایی زیاد تعیین کرد، اما مهریه‌هایی که عقلایی نیست و توان پرداخت آن وجود ندارد نباید گفته شود. امکان پرداخت و تهیه مهریه باید وجود داشته باشد. اینکه عده‌ای از زوجها می‌خواهند بگویند که هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند یک مهریه شاعرانه یا غیر عقلانی غیر قابل پرداخت بیان می‌کنند هم درست نیست، زیرا معمولاً ارزش مالی ندارد، اما آنچه را ارزش مالی داشته و عرفاً هم قابل پرداخت می‌باشد را می‌توان براساس توافق طرفین تعیین نمود. در اسلام حق مهریه متعلق به خود زن است نه والدینش یا هر شخص دیگر. با توجه به نظام حقوقی اسلام مهریه به حالت فطری و طبیعی آمده است، اختراعی نمی‌باشد. مهر معمولاً از جانب کسی که طالب یا خواستگار است ارائه می‌گردد (۱۱). در این شرایط، مهریه از جانب پسر که طالب و یا درخواست‌دهنده ازدواج است، صورت می‌گیرد و زن نیز به عنوان گیرنده مهریه در نظر گرفته می‌شود.

دین اسلام یک دین ارزشی است که زنده‌کننده عقل‌ها و فطرت‌های انسان‌ها می‌باشد. با توجه به اینکه مهریه قبل از اسلام هم بوده است، اما وضوحیتی که اسلام برای مهریه بیان داشته قبل از آن نبوده است. به عنوان مثال می‌توانیم به آیه ۴ سوره نساء اشاره کنیم که این‌گونه آمده است: «وآتوا النساء صدقاتهن

نحله؛ صدقات‌های زنان را به عنوان بخشش و هدیه پرداخت کنید». آیه فوق نظر اسلام را درباره مهریه بیان داشته و اینکه مهریه را صدق و نحله آورده است، زیرا نشانه صادقانه بودن علاقه مرد و نشانه صدق ایمان است. همچنین مهریه را نحله آورده، زیرا که بخشش از روی رضای خاطر و طلب نفس است. به دلیل اینکه مهریه جنبه پیش‌کشی و عطیه و اهدایی دارد این واژه را به کار می‌بردند. ضمن اینکه مهریه باید ارزش اقتصادی داشته باشد، بر کسی نیز روا نیست که در آن دخل و تصرفی بکند (۱۲).

در اسلام عقد موقت مورد قبول واقع گردیده است و مهریه در عقد موقت بایستی مشخص و معلوم باشد، مدت آن نیز باید مشخص باشد. گرفتن مهریه در عقد متعه همانند گرفتن مهریه در عقد دائم است، البته در عقد دائم زن حق دارد نسبت به نفقه نیز اقدام نماید، اما در عقد موقت نمی‌تواند درخواست نفقه دهد مگر اینکه در صیغه‌نامه آنها قید شده باشد. علاوه بر این، اسلام زن را در دریافت حق مهریه و ارثیه مُحَقِّق دانست و در آیات فراوانی از قرآن کریم به تبیین دفاع از حقوق زن سخن گفت و اینها همه در زمانی بود که دختران بدون رضایت، به همسر داده می‌شدند و با نکاح شغار هر زمان مرد می‌خواست می‌توانست زنش را به بهانه واهی مثل آنکه در ملاً عام نخ ریخته و یا صدایش به گونه‌ای بلند شده که مردی شنیده، بدون مهریه طلاق دهد (۱۳).

اسلام بر همه ازدواج‌ها و طلاق‌های ظالمانه خط بطلان کشید و نه تنها به زن حق انتخاب همسر داد، بلکه زن را همچون مرد دارای حقوق سیاسی چون حق رأی و بیعت دانست (۱۴). بنابراین مهریه در اسلام از ابعاد معنوی و تربیتی که مشتق از پیوند عشق و محبت زوجین بوده، اخذ شده است و فقط جنبه مادی ندارد. در هر صورت به موجب عقد، زن مالک اصلی مهر شناخته می‌شود و بر مبنای رویکرد شرعی و حقوقی هیچ‌کس از اعضای خانواده و بستگان نمی‌تواند این حق را بدون رضایتش سلب نماید.

یافته‌ها: سیر تاریخی مهریه در اسلام

اسلام دینی منطبق بر نیازهای فطری انسان است و تأکید بر نکاح پاسخی به ضرورت‌ها و نیازهای فطری انسانی است.

پرداخت آن می‌نماید و باید مشخصات مال را دارا باشد، قابلیت تملیک و معلوم و معین باشد و زوجه به محض انعقاد نکاح در نیمی از آن به طور مستقر و در مابقی آن پس از نزدیکی مالک می‌شود.

صدر اسلام و مهریه زن

تاریخ صدر اسلام گویای آن است که مهریه به عنوان یک امر مسلم برای زنان شناخته شده است. در این زمینه احادیث زیادی وجود دارد که مؤید این حق برای زنان است. از جمله پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: «به درستی خداوند متعال هر گناهی را می‌آمرزد، مگر گناه کسی که مهریه زن را انکار کند» (۲۱). در روایت دیگری از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که می‌فرمایند: «پلیدترین گناهان سه چیز است: یکی از آنها، نگه داشتن مهریه زن است» (۲۲).

براساس آنچه از بررسی تحولات مهریه در اسلام حاصل می‌شود، مقدار مهریه امر ثابتی نیست و رضایت و توافق میان زوجین تعیین‌کننده مقدار مهریه است. همچنین بررسی نگرش اسلام به مهریه حاکی از آن است که مهریه پس از جاری شدن حکم عقد و یا ارتباط و نزدیکی زوجین برای زن مسلم دانسته می‌شود. برخی دیدگاه‌ها بر این عقیده هستند که با انجام عقد، زن تنها مالک نصف اموال می‌شود و با برقراری نزدیکی، تمامی آن را مالک می‌گردد (۲۳)، هرچند تعداد زیادی از فقها با استناد به آیه «وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» «و مهر زنان را به عنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید». بر این باور هستند که با انجام عقد، زن مالک تمامی مهر می‌گردد (۲۴).

این اختلاف نظرها گویای نگرش‌های مختلفی است که در روند تاریخی مهریه در اسلام به وجود آمد، اما هیچ‌کدام از نگرش‌ها اصل هدیه و فطری بودن آن را برای زنان نادیده نگرفته است. در ابتدا و در صدر اسلام و حتی زمان ائمه معصوم (ع)، مهرالسنه (یعنی مهریه‌ای که در زمان پیامبر گرامی اسلام) وضع شده بود، ملاکی ثابت برای مهریه در نظر گرفته می‌شد، اما با گذشت زمان و گسترش اسلام به نقاط مختلف، گونه‌های مختلفی از مهریه شکل گرفت که بنابر

سیر تاریخی مهریه نیز نشان می‌دهد که اسلام، مبدع آن نبوده است. همان‌طور که مرتضی مطهری در این باره بیان می‌کنند: «اسلام، مهر را ابداع نکرد، بلکه آن را به حالت فطر خود بازگردانید و رسوم جاهلیت را از بین برده است» (۹). بنابراین مهریه به عنوان رکن اصلی ازدواج، گامی برای تحقق خواسته‌های فطری انسانی و دوری از تبعیض و ستم بر علیه زنان است.

در قرآن کریم کلمه مهر عیناً به کار برده نشده، بلکه از مترادف‌های آن مانند «صداق، اجور و نحل» استفاده شده است (۱۵). این تعبیر لطیف نشان ادب و حیا در کلام الهی و تکریم زنان است تا کسی نپندارد امر مقدس ازدواج نوعی خرید و فروش است و زن خود را در ازای مهریه در اختیار شوهر می‌گذارد. در قرآن کریم در این باره آمده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (۱۶). مطابق آیه ذکر شده، نحل یعنی هبه و عطیه و به جهت تأکید به اینکه عمل نکاح یک داد و ستد و معامله مال به مال نیست و یک جریان عقد روح با روح است. بنابراین از مهریه در قرآن به عنوان یک هبه و عطیه نام برده شده است نه به عنوان عوض و ثمن؛ همچنین در این آیه از مهریه به «صداق» تعبیر می‌کند که باز هم نکته‌اش آن است که مهریه، نرخ زن نیست بلکه نشانه صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است و تعهد به پرداخت مهریه هم نشانگر صداقت مرد در مودت و محبت نسبت به همسر است (۱۷). این نکته از توصیف صداق به وصف «نحل» جلوه بیشتری پیدا می‌کند. نحل بنا به گفته راغب اصفهانی به معنای زنبور عسل است، چون زنبور عسل به مردم عسل می‌بخشد و توقعی هم ندارد (۱۸)، البته برخی مفسرین نحل را به معنی دین می‌دانند؛ یعنی مهریه دین و بدهی قطعی مرد است (۱۹). کلمه «اجر» در آیه ۱۰ سوره مبارکه قصص به کار برده شده است و در این آیه به معنای مهریه می‌باشد (۲۰). همچنین در قانون مدنی نیز تعریف مستقلی از مهر نیامده است و از مجموع مواد مرتبط و عرف جامعه می‌توان این‌گونه استنباط نمود که مهریه عبارت است از مالی که برابر شرع و رسوم و عادات در هنگام نکاح، شوهر به زن می‌دهد و یا تعهد به

مقتضیات فرهنگی و جغرافیایی، کیفیت متفاوتی نیز برای مصادیق مهریه در نظر می‌گرفتند، هرچند تجاوز از این معیار پذیرفته نیست. تجاوز به معنای فرا رفتن از چنین معیاری است که توسط رسول گرامی اسلام (ص) بنیان نهاده شد.

شیخ حر عاملی که مؤلف یکی از مجموعه‌های حدیثی شیعه، باب چهارم از کتاب وسایل‌الشیعه را به استحباب مهرالسنة اختصاص داده و ۱۱ حدیث را ذیل آن جمع کرده است و با اختصاص باب پنجم آن به کراهت مهر زیاد و استحباب مهر کم، در آن نیز ۱۲ حدیث دیگر را گرد آورده است. بنابراین اگر در هیچ‌یک از دیگر مجموعه‌ها، حدیثی دال بر مورد منظور وجود نداشته باشد که مسلماً نه تنها در دیگر مجموعه‌ها، احادیث قابل استناد زیاد است که در خود وسایل‌الشیعه نیز احادیث دیگری در سایر ابواب وجود دارد که دستیابی به آنها به استقراء نیاز دارد و با عنایت به اینکه مهرالسنة یعنی مهریه‌ای که حضرت پیغمبر (ص) برای همسران خود و دختر مکرمه‌اش حضرت فاطمه (س) قرار داده ۵۰۰ درهم معادل ۲۶۲/۵ مثقال نقره مسکوک است (۲۵). در فقه و منابع آن ملاک مهر، مناسب به نظر رسیده است و قدر متقین آن این است که تنها در یکی از مجموعه‌ها ۲۳ حدیث در مورد استحباب مهر کم و مطلوبیت مهرالسنة داریم. این توجه ضروری است که نکوهیده بودن، اختصاص به مهریه‌هایی دارد که ایفای آن در توان متعهد است، وگرنه مهریه‌های خارج از توان به عللی از جمله عروض بطلان در نتیجه فقدان ناقل شرعی و قانونی مسلماً حرام و باطل است.

نگاه فقها به مهرالسنة

در کنار دلایل نقلی مذکور، سیره عملی معصومین علیهم‌السلام خود دلیلی دیگر بر جواز تجاوز مهریه از مهرالسنة است. چنان‌که شیخ طوسی در مبسوط به سند خویش روایتی نقل کرده که می‌فرماید: «تزوج الحسن علیه السلام إمرأه فاصدقها مائه جاریه مع کل جاریه ألف درهم - امام حسن علیه‌السلام زنی را تزویج فرمود و مهر او را صد کنیز قرار داد که با هریک هزار درهم بود. عدم تقدیر و محدودیت در میزان مهریه چنان میان متشرعه مرسوم بوده

که قول خلاف آن با مخالفت مسلمین مواجه می‌شد. نقل است که در دوران خلافت عمر، روزی او بر منبر رفته و زبان به انتقاد از افزایش مهریه زنان گشود؛ در این هنگام زنی از میان جمعیت برخاست و با تلاوت آیه بیستم سوره نسا سخن عمر را رد کرد، پس عمر از رأی خویش بازگشت و بدون نتیجه از منبر به پایین آمد (۲۶)، اما قول مخالف که معتقد به حرمت تجاوز مهرالسمی و مهرالمثل از مهرالسنة است منتسب به سید مرتضی و شیخ صدوق رحمه‌الله‌علیهما است. برخلاف آنچه که برخی مانند حسن امامی عنوان کرده‌اند این جنید اسکافی رحمه‌الله علیه همانند مشهور امامیه فتوا داده است. کلام او در این باره که در مختلف‌الشیعه علامه حلی رحمه‌الله علیه نقل شده چنین است: و کل ما صحَّ التملیک له و التمول من قلیل او کثیر ینتفع به فی الدین و الدنیا»، اما سیدمرتضی رحمه‌الله علیه در الانتصار در بدو امر بیان می‌فرماید که وجود قلت و کثرت در مهر در امامیه جائز است و این عامه هستند که از حیث کمی برای آن حدی قائل شده‌اند، سپس در ادامه می‌افزاید از مفردات امامیه آن است که مهر نمی‌تواند از مهرالسنة تجاوز کند و در صورت تجاوز به آن باز گردانده می‌شود (۲۷). ایشان رأی خویش را مستند به اجماع امامیه کرده‌اند که مخدوش بودن اجماع در اینجا آشکار است. علاوه بر آن ایشان پیش از آن در رد قول عامه که از حیث قلت برای مهریه حدی قائلند به اطلاق آیات قرآنی استناد می‌فرماید، پس چگونه است که در اینجا به وجود اطلاق توجهی نمی‌نماید، حال آنکه اطلاق هم از حیث کمی و هم زیادی را شامل می‌شود. ایشان در اینجا به روایتی استناد فرموده‌اند که حکم، به رد مهر به مهرالسنة در صورت تجاوز از آن کرده است، لیکن شهید ثانی رحمه‌الله علیه در شرح لمعه ضمن ایراد خدشه به سند این روایت، در فرض صحت فرموده‌اند که حمل بر استحباب می‌شود؛ یعنی مستحب است در صورت تجاوز مهر از مهرالسنة به آن بازگردانده شود و می‌فرمایند در ادله سنن و مستحبات تسامح جایز است (۲۴). شیخ صدوق رحمه‌الله علیه نیز در الهدایه رایبی همانند سیدمرتضی برگزیده است. ایشان در من لا یحضره الفیه حدیثی را مستند فتوای خویش قرار داده‌اند (روایت مفضل ابن عمر از امام صادق

علیه السلام: السنه المحدثه خمس مائه درهم فی زاد علی ذلک رد الی السنه) علامه حلی رحمه الله علیه در مختلف الشیعه با ضعیف دانستن سند این حدیث با فرض صحت آن را دال بر استحباب دانسته‌اند. نتیجه آنکه این از مسلمات فقه امامیه است که برای مهریه از حیث کمی و زیادی هیچ حدی نیست و تلاش در جهت سقف‌گذاری برای مهریه و الزام به رعایت آن برخلاف فقه امامیه و مخدوش است. باید توجه داشت که اصل بر صحت و حلیت و دوام حلال است چرا که این دیدگاه مطرح است که: «حلال محمد حلال الی یوم القیامه».

کمیت و کیفیت مهریه در گذر زمان

بررسی روایت‌های فقها نشان‌دهنده آن است که فقهای شیعه با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه، رویکردهای متفاوتی در قبال مهریه و میزان کم و کیف آن مطرح کردند. از جمله این رویکردها متعلق به امام خمینی (ره) است که ضمن در نظر گرفتن معیار ۵۰۰ دینار برای مهریه که در زمان رسول گرامی اسلام (ص) وجود داشت، بر تراضی طرفین برای تعیین مهریه نیز تأکید می‌کنند. ایشان در این باره چنین می‌فرمایند: «هر آنچه مسلمان مالکش می‌شود، صحیح است که مهر قرار داده شود عین باشد یا دین، یا منفعت عین مملوکی از خانه یا مزرعه یا حیوان باشد. و صحیح است که منفعت شخص آزادی مهر قرار داده شود مانند تعلیم صنعت و مانند آن از هر عمل حلالی، بلکه ظاهر آنست که حق مالی که قابل نقل و انتقال است، صحیح است که مهر قرار داده شود مثل حق تحجیر و مانند آن. و به مقداری تقدیر نمی‌شود، بلکه آنچه زوجین به آن رضایت پیدا کنند، زیاد باشد یا کم مادامی که به سبب کم بودن از مالیت خارج نشود، البته از طرف زیادی مستحب است که از مهرالسنه بیشتر نباشد و آن پانصد درهم است» (۲۸). بدین ترتیب امام خمینی (ره) از جمله فقهای است که حد و سقفی از نظر کثرت برای مهریه قائل نشده و آن را به تراضی طرفین عقد واگذار نموده است و اقل آن را نیز به میزان مهرالسنه و در حدی دانسته که مالیت داشته باشد به گونه‌ای که به آن بتوان مال گفت.

اسلام، مهریه را وسیله ارزش‌گذاری زن نمی‌داند. از این رو کوشیده است نگرش به مهر را تغییر داده، برای ارزش زن و استحکام خانواده عوامل دیگری معرفی کند. از نگاه دینی، مهریه سنگین زن مایه شومی و بد قدمی اوست و برترین زنان کسانی هستند که خوش‌رو و کم‌مهرند. تعداد زیادی از روایات تشویق و توصیه به آسان گرفتن در مهریه و در مقابل مذمت مهریه سنگین است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ؛ بهترین مهریه، سبک‌ترین آن است و نیز فرمودند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَ أَقْلُهُنَّ مَهْرًا».

«برترین زنان امت من، خوب‌روترین و کم‌مهرترین آنان است» (۲۹). با این همه نظر مشهور بین متخصصین این است که برای مهریه سقف معینی وجود ندارد و زن مجاز است و یا مرد می‌تواند هر مقدار که خواست یا توانست به عنوان مهریه قرار دهد، ولی آنچه در روایات به عنوان حداکثر مهر بیان و به آن توصیه شده است مبلغ معینی است که به آن «مهرالسنه» می‌گویند، هر چند مشهور بین فقهاء استحباب «مهرالسنه» است، ولی برخی مانند آیت‌الله سیدموسی زنجانی از مراجع تقلید قم در مواردی حکم به وجوب آن می‌کنند. برخی مانند آیت‌الله بهجت (ره) مهریه بیشتر از آن را مکروه می‌دانند.

عقد بی‌مهر یا مهر فوق‌العاده ناچیز، مورد رضایت دین نیست. ناگفته نماند که این سخن غیر آن است که زن با مهریه‌ای به عقد مرد درآید و بعد از شروع زندگی، مقدار یا تمامی آن را به مرد ببخشد. بنابراین در جایی که تعیین مهریه به زن سپرده می‌شود، او حق ندارد بیش از مهرالسنه را تعیین کند و اگر هم تعیین کند، مقدار زیادی اش نافذ نیست. همین‌طور در جایی که اصلاً مهری تعیین نشده است، مهرالمثلی که بیش از مهرالسنه نباشد، به عنوان مهر قرار می‌گیرد (۳۰).

از دیدگاه اسلام مهریه سنگین مورد نکوهش قرار گرفته و در مقابل سبک بودن مهریه از ارزش‌ها و خوبی‌های زن برشمرده شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بهترین زنان امت من زنی است که مهریه او از دیگران کمتر باشد» (۲۲). در روایت دیگری از رسول خدا آمده است که «کمی مهریه از

برکت زن و زیادی مهریه از شومی اوست» (۲۲). علاوه بر این، برخلاف آنچه تصور می‌شود که مهریه سنگین موجب استحکام زندگی و تضمینی برای تداوم آن است. تجربه نشان داده که مهریه سنگین در بسیاری از موارد موجب اختلاف و دشمنی است. بنابراین مهریه سنگین نه دلیلی بر ارزش و ملاک خوبی زن محسوب می‌گردد و نه موجب استحکام پایه‌های زندگی و تضمین‌کننده آن است.

با گذشت زمان اهمیت معنوی مهریه مورد توجه فقهای شیعه حتی در دوران معاصر شده است. ازجمله مرتضی مطهری که درباره اهمیت مهریه و جایگاه آن در استحکام خانواده در عصر جدید نیز بیان می‌کند: «یکی از اقدامات مرد در زندگی این است که برای جلب رضایت زن و به احترام موافقت او، هدیه‌ای نثار او می‌کند» (۹). همین رویه هدیه‌محور و محبت‌آمیز نسبت به مهریه در اسلام باعث شده تا تراضی و توافق زن و مرد در مقوله مهریه حائز اهمیت باشد. حقوق‌دانان نیز در همین راستا دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند. امروزه تعیین مهریه توسط زوجین به عنوان اصل مورد توجه قرار گرفته است. ازجمله که از منظر حقوقی استدلال می‌شود که توافق زوجین در باب مقدار و نوع مهریه به مثابه یک قرارداد تبعی در عقد نکاح محسوب می‌شود. این قرارداد تبعی تابع قواعد عمومی سایر معاملات است و موضوع آن جنبه مالی دارد، زیرا بدین‌وسیله مرد مالی را از باب الزام قانونی خود به زن تملیک می‌کند (۳۱). لذا ضرورت اموری همچون معین بودن و مقدور التسلیم بودن مهریه نه به خاطر وجود یک قرارداد و سپس تطبیق شرایط صحت قرارداد بر آن وضع شده، بلکه به منظور تأمین تعهدات ناشی از عقد برقرار شده است (۳۲).

مطابق ماده ۱۰۷۸ ق.م.مهرالمسمی زمانی صحیح است که دارای دو شرط مالیت و قابل تملیک باشد.

برخی از محققان (۳۳). که حقوق خانواده را به صورت شرح قانون مدنی بررسی کرده‌اند، تنها همین دو شرط را کافی برای صحت مهر دانسته‌اند؛ لیکن برخی حقوق‌دانان شرایط دیگری را نیز برای مهرالمسمی تعیین کرده‌اند، هرچند که این شروط در مواد مربوط به مهر در قانون مدنی نیامده است، ولی

می‌تواند نظریه موارد مذکور در ماده ۱۰۷۸ ق.م. و ملاک از مواد ۲۱۵ و ۳۴۸ ق.م. که منفعت عقلایی داشتن مورد معامله را شرط صحت تملیک مال به دیگری قرار داده است. شرط چهارمی نیز وجود دارد و آن معین بودن مهر است که از تنقیح مناط از قواعد عمومی معاملات با موضوع مهریه برمی‌آید؛ و شرط پنجم معلوم بودن مهر است که ماده ۱۰۷۹ ق.م. عنوان می‌دارد: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد». و در نهایت شرط آخر اینکه مهر باید مقدورالتسلیم باشد که از ملاک ماده ۳۴۸ ق.م. استنباط می‌گردد. بنابراین در صورتی که یکی از شرایط مذکور موجود نباشد، مهر باطل است.

نتیجه‌گیری

مهریه در اسلام حقی برای زنان آفریده است که در چارچوب آن بتوانند ارزش‌های اجتماعی خود را به دست آورند. این حق از آن جهت که برابری خاصی میان زن و مرد ایجاد می‌کند، باعث ایجاد الفت و دوستی میان زوجین نیز می‌شود. سیر تاریخی مهریه در اسلام نشان می‌دهد که همه علمای شیعی و فقهای اسلام بر ضرورت وجود آن تأکید دارند، اما آنچه محل اختلاف است، کمیت و کیفیت مهریه است که بنابر شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متغیر است. در هر صورت آنچه حائز اهمیت است، عدم تجاوز مهریه از سنت رسول گرامی اسلام و یا همان مهرالسنه است که در صورت عدول از آن هم پایه‌های معنوی خانواده و جامعه از هم می‌پاشد و هم اینکه مهریه را به عنوان کالایی اقتصادی و ابزاری برای نارضایتی فردی و اجتماعی بدل می‌سازد. بنابراین برخلاف آنچه حتی در جامعه ما رخ داده است و مهریه باعث به زندان افتادن برخی از افراد ناتوان در پرداخت آن شده است، مهریه به عنوان هدیه‌ای به محبوب به عنوان بروز علاقه به زن می‌باشد که امری فطری و طبیعی است. درواقع مهر اظهار عشق و محبت مرد به زن می‌باشد که از هر هدیه دیگری بالاتر است درست است که در آیین مختلف مهریه آمده است، اما اسلام که دین اکمل است، به طریقی جامع به آن پرداخته است. آنچه امروزه قانون‌گذار جمهوری اسلامی

جهت زندان نرفتن افراد به خاطر عدم پرداخت مهریه دنبال می‌شود، می‌تواند گامی آغازین برای بازگشت مهریه به فلسفه اصلی آن محسوب می‌شود.

محدودیت‌های تحقیق

مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر، عدم دسترسی سریع و بهره‌گیری از منابع اصلی به دلیل شرایط ناشی از کرونا و محدودیت برای مراجعه به کتابخانه بوده است. همچنین به دلیل احصاء موضوع و بررسی سیر تاریخی مهریه، پرداختن به آثار و پیامدهای مهریه سنگین میسر نبوده است.

سهم نویسندگان

نویسندگان این تحقیق معیارهای استاندارد نویسندگی براساس پیشنهادات کمیته بین‌المللی ناشران مجلات پزشکی را دارا هستند.

تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Safaei. H. Emami. A. A. Brief Family Law. Tehran: Publisher Mizan; 2004. [Persian]
2. Mehrpour. H. Issues of women's rights from the perspective of: domestic law, jurisprudential principles and international standards. Tehran: Publisher Etelaat; 2015. [Persian]
3. Amid. H. Persian culture. Tehran: Publisher Amirkabir; 2011. [Persian]
4. Mackenzie, D.N. The model marriage contract in Pahlavi. Journal School oriental institute golden Jubilee, 1969; 1(1); pp. 103-121. [Persian]
5. Perikhanian, A. Iranian Society and Law, London: Publisher Cambridge History of Iran; 1980. [Persian]
6. Jahangir. M. Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Publisher Dowran; 2000. [Persian]
7. Kamdem Sorel. G. Borjineghad. Z. The right of female dowry in the Abrahamic religions. Journal of Gender and Family. 2019; 2 (2); pp. 19-34.
8. Gelen. N. Henrei. M. Old Testament Bible, Old Testament. Trans: Khan Hamadani. F. Tehran: Publisher Asatir; 2001.
9. Motahari. M. The system of women's rights in Islam. Tehran: Publisher Sadra; 2005. [Persian]
10. Javadi Amoli. A. woman in the mirror of the glory and beauty of the captivity. Qom: Publisher Asraa; 1997. [Persian]
11. Makarem Shirazi. N. Nemoneh Interpretation. Tehran: Publisher Daralkotob Al-Islamieh; 1994. [Persian]
12. Feiz Kashani. M. Safi nterpretation. Tehran: Publisher Maktab Aksadr; 1994.
13. Ibn Hesham. A. M. Asirah al-Nabwa. Beirute: Publisher Daralvefagh; 2005.
14. Pourmohammadi M. and Pour Mohammadi S. Dowry and its legal importance in strengthening marriage. Qom: Publisher International Congress of Religious Culture and Thought; 2013. [Persian]
15. Khazaeli. M. The rules of the Quran. Tehran: Publisher Javidan; 1980. [Persian]
16. Holly Quran: Alnesaa 4.
17. Babakhani. Z. Dowry (special rights of the wife). Tehran: Publisher Ramin; 1997. [Persian]
18. Ragheb Isfahani. H.A. Mofradat. Trans: KHodaparast. H. Tehran: Publisher Navid Islam; 2013.
19. Qaraati. M. Family from the dream of love to the reality of the law, Tehran: Publisher Partov Khorshid; 2007. [Persian]
20. Tabatabaei. M. H. Almizan. Trans: Mousavi. M.B. Qom: Publisher Jameh Modaresin Howzeh Elmieh; 1995.
21. Majlesi. M.B. Baharalanvar. Tehran: Publisher Islameih; 2007.
22. Hor Ameli. M. Vasaei Al-Shieh. Tehran: Publisher Maktab Al-Islamieh; 1997.
23. Najafi. M.H. Jawaher Alkalām. Beirute: Publisher Daralehya Altaras Al-Arabie. 1996.
24. Shahid Sani. Z.A. Lamee Interpretation. Trans: Shirvani. A. Tehran: Publisher Daralelm; 2016.
25. Zoheili. V. Rules, etiquette, rights and responsibilities: Family jurisprudence in the contemporary world. Trans: Salimi. A. Tehran: Publisher Ehsan; 2010.
26. Badran. A. Jurisprodence Magharen. Beirute: Publisher Daralnehzeh; 1985.
27. Ansari. M. Makaseb Almahrameh. Tabriz: Publisher Etelaate Tabriz; 1995.
28. Khomeini. R. Tahriralvasileh. Tehran: Publisher Islamieh; 1984.
29. Kolini. M.Y. Alkafi. Trans: Ostadoli. H. Tehran: Publisher Daralsaghalein; 2013.
30. Mirshamsi. F. Fundamentals of women's rights and duties in marriage from the perspective of Imami jurisprudence. Tehran: Publisher Islamieh; 2001. [Persian]
31. Karoozian. N. Civil Rights; Family. Tehran: Publisher Sahami Enteshar; 1983. [Persian]
32. Saiedi. M. A. Checking the legal validity of heavy dowries. Journal of the Faculty of Law and Political Science. 2010; 40 (101); pp. 1-31. [Persian]
33. Mohaghegh Damad. M. Jurisprudential study of family law (marriage and its dissolution). Tehran: Publisher Islamic Science; 2013. [Persian]